



سلسله نشست های موضوعی

نشست اول ■ ارزش های جوهری در حفاظت بافت های تاریخی
سخنران: مهندس سید محمد بهشتی

نشست دوم ■ بهسازی محلات تاریخی
سخنران: دکتر مهدی حجت

نشست سوم ■ حفاظت و توسعه از نظر تعامل
سخنران: دکتر اسکندر مختاری

نشست چهارم ■ حفاظت و توسعه دو امر متعامل یا دو امر متقابل
سخنران: دکتر سید محسن حبیبی

نشست پنجم ■ حفاظت و توسعه توأمان در بافت های تاریخی (جمع بندی)
سخنرانان: دکتر حبیبی، دکتر مختاری، دکتر حجت، مهندس صفامنش،
مهندس سلطانی آزاد، دکتر بنیادی، دکتر عرفانیان، مهندس طلائی، دکتر اعتماد
و همراهی حضار

۱۳۹۲
۲۵۲

دفتر دوم: حفاظت و توسعه توأمان در بافت های تاریخی



نشست اول

ارزش‌های جوهری در حفاظت بافت‌های تاریخی

سخنران: مهتدیس سید محمد بهشتی
دبیر علمی: دکتر سید محسن حبیبی
تاریخ برگزاری: ۱۳۹۳/۵/۱۹



- کارشناس ارشد مهندسی معماری دانشگاه شهید بهشتی
- عضو هیأت مدیره سازمان زیباسازی شهر تهران (از سال ۱۳۶۸ تا کنون)
- عضو هیأت امنای بنیاد سینمایی فارابی سال (سال های ۷۳-۱۳۶۲؛ ۸۰-۱۳۷۶؛ ۱۳۹۲ تا کنون)
- عضو پیوسته فرهنگستان هنر (سال ۱۳۷۸ تا کنون)
- رئیس گروه معماری شهرسازی فرهنگستان هنر (سال ۱۳۷۸ تا کنون)
- عضو شورای عالی معماری و شهرسازی (سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۲)
- عضو هیأت علمی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری (سال ۱۳۷۶ تا کنون)
- عضو هیأت مدیره نظام مهندسی تهران (سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹)
- رئیس کمیته ملی ایکوم ایران (سال های ۸۴-۱۳۷۷؛ ۱۳۹۱ تا کنون)
- مدیرعامل شرکت توسعه فضاهای فرهنگی شهرداری تهران (سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۲)
- رئیس پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری (سال های ۸۶-۱۳۸۳؛ ۱۳۹۳ تا کنون)
- عضو کمیته ملی فرهنگ کمیسیون ملی یونسکو
- عضو هیأت مدیره انجمن آثار و مفاخر فرهنگی (سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۶)
- مدیر طرح دانشنامه معماری شهرسازی ایران زمین ۱۳۸۵ تا کنون
- ریاست جشنواره بین المللی فیلم فجر (سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۲)
- موسس موزه سینمای ایران (سال ۱۳۷۷)

...

چکیده

ارزش‌های جوهری اصولاً مواردی هستند که به بقای جامعه کمک یا آن را تعریف می‌کنند و با دگرگونی زمانه همراه و لباس زمانه را می‌پوشند، ولی تغییر ماهوی نمی‌یابند. دگرگونی امری اجتناب‌ناپذیر است؛ هر امر یا موجودی دچار تغییر و تحول می‌شود ولی جوهر وجودی و ارزش‌های خود را حفظ می‌کند و بنابراین ارزش‌های جوهری امری وجودی هستند و می‌توانند در شکل‌های متفاوت موجودیت پیدا کنند و هر زمانه‌ای از زمانه دیگر متفاوت باشد که نمونه‌های عینی آن در معماری ما بسیار است. بهتر است به جای وسعت دادن طول و عرض شهرها، شهریت و کیفیت آنها را زیاد کنیم و از حافظ بخواهیم؛ خوشا شیراز و وضع بی‌مثالش، خداوندا نگه دار از زوالش.

دکتر حبیبی

بحثی که امروزه تحت عنوان «حفاظت و توسعه» از منشور آتن مطرح است، عمدتاً با نگاه توسعه‌بدان نگریده شده است. معمولاً هنگامی که بحث حفاظت به میان می‌آید، نگاه‌های موزه‌ای مطرح می‌شود. و این امر در اولویت قرار می‌گیرد که در بافت‌ها و یا ساختمان‌ها به شیوه موزه‌ای مداخله صورت گیرد. شهر یک موجود زنده است، معمولاً ما در موزه‌اشیایی را نگهداری می‌کنیم که به روزگاران قبل بازمی‌گردد ولی شهر را در موزه نمی‌توان نگهداری کرد! رویکردی که قریب به یک قرن است، غلبه پیدا کرده «رویکرد توسعه» است، درحالی که توسعه همواره وجود داشته است. در هر نسلی و در همه جای دنیا، همیشه با نسل و آثار پیشین در تعامل بوده و دانش محیطی و دانش فنی خود را به کار گرفته است و چیزی بر آن‌ها افزوده و آن را برای نسل بعدی به جای گذاشته است و همچنین دو واژه **تخریب و نوسازی** که همواره وجود داشته‌اند. با این حال رویکردی که در ۱۰۰ سال اخیر در ایران غالب است رویکرد تخریب می‌باشد و رویکرد نوسازی به مفهوم بازسازی به کار گرفته شده است، در واقع کمتر دانش فنی و محیطی به کار گرفته شده است و بیشتر به رویکردی که در مقیاس جهانی مطرح است، نگریده شده است. بنابراین ما از این که بتوانیم گفت‌وگوی جدی با شهر داشته باشیم، از این که بتوانیم ارزش آثار فاخری که به جای مانده را



بر آن بیافزایم و در اختیار آیندگان قرار دهیم، فاصله گرفته‌ایم. حفاظت و توسعه توانان تقریباً از دهه ۸۰ به بعد میلادی به طور جدی در دستور کار جهانی قرار گرفته است، با یک دید مشخص بدان نگاه می‌کنند. خطری که در دهه اخیر با آن مواجه هستیم، تجاری شدن فضا است. به معنای صحیح کلمه، حفاظت رمز بقا و مقصد توسعه، حفاظت است.

مهندس بهشتی

جناب حافظ می‌فرمایند:

خوشا شیراز و وضع بی مثالش خداوندا نگاه‌دار از زوالش

ما در یک شهری که همیشه در حال تحول و دگرگونی است، زندگی می‌کنیم. وقتی صحبت از ارزش‌های جوهری می‌شود، بدین معنا است که می‌تواند بقا داشته باشد و متأثر از تغییر و تحولات روزمره نشود، در مقابل آن این ذهنیت وجود دارد که باتوجه به همه تغییر و تحولاتی که در شهر اتفاق می‌افتد، سخن گفتن از ارزش‌های جوهری امری مبهم و غیرواقعی است. بدیهی است که همین تغییر و تحولات ما را اجبار به این امر می‌کند که به معماری امروز شهرمان ایراد داشته باشیم.

خوشا شیراز و وضع بی مثالش خداوندا نگاه‌دار از زوالش

بنا به بحث‌هایی که در حوزه پزشکی راجع به کالبد می‌شود، تقریباً تمام سلول‌هایی که ما امروز به واسطه آن زندگی می‌کنیم، حدود ۵ سال عمر دارند، ولی وقتی می‌خواهیم خود را معرفی کنیم چیزی را معرفی می‌کنیم که رابطه مستقیمی با این سلول‌ها ندارند. این سلول‌ها فانی هستند و در مرور زمان از بین می‌روند ولی من و هویت من در سر جای خود باقی مانده‌ایم. انسان‌ها دارای یک جنبه وجودی هستند، که این جنبه‌های وجودی در ما تداوم پیدا می‌کنند و این امر قابل ذکر است که آن‌ها هم حاصل تکوین هستند ولی در یک سیر بسیار بطئی قرار دارند. زمانی شیراز وجود نداشت، برای همین نمی‌توان گفت که "خوشا شیراز و وضع بی مثالش" چون موجود نبوده است از یک جایی در تاریخ، شیراز شیراز شده است، و آن شیراز که حافظ از آن سخن می‌گوید بسیار دچار تغییر و تحول شده است. امروزه ما با یک موجودیت به اسم شیراز مواجه هستیم که ممکن است، حتی اگر حافظ هم برگردد دیگر

آن را به جای نیاورد. بنا به درک امروزی، ما هنوز هم می‌توانیم بگوییم که "خوشا شیراز و وضع بی‌مثالش" و بلندتر از حافظ دعا کنیم "خداوندا نگه‌دار از زوالش" به دلیل این‌که در دوران حافظ این زوالی که امروزه ما با آن مواجه هستیم به این شدت اتفاق نمی‌افتاده است گویا همان بصیرتی که حافظ داشته است، به آن اجازه می‌داد که کارهایی که امروزه ما انجام می‌دهیم را ببیند و آن دعا را بخواند. خداوندا نگه‌دار از زوالش. منظور چیست؟ این شیرازی که حافظ از آن سخن می‌گوید چیست؟ آیا شبکه ارتباطی است که در آن زمان در شیراز وجود داشته است، و امروز دچار تغییر و تحول شده است؟ یا یک طرح تفصیلی یا مجموعه‌ای از کاربری‌ها، نوع فعالیت‌هایی که در شهر صورت می‌گرفته است؟ آیا این‌ها مواردی از این دست مدنظر حافظ بوده است؟ وقتی راجع به انسان صحبت می‌کنیم راجع به اجزای کالبدی آن صحبت می‌کنیم یا چیز دیگری؟

شیرازی که حافظ از آن یاد می‌کند یک کیفیت است، که در مفهوم شیراز ظهور پیدا کرده است و آن شهر بودن شیراز است. شهر بزرگ‌ترین دستاورد بشری و فراخ‌ترین فرصتی است که فرهنگ در آن ظهور پیدا می‌کند. شهر کیفیتی از حیات بشر است، این تنها جنبه‌ای از شهر است، تلاش و تکاپوی حیات مدنی در بین جامعه، این فرصت را فراهم کرده که صورتی به مثابه شهر پیدا کند، که ما در واقع امروزه از آن به شیراز یاد می‌کنیم. جنبه دیگر شهر، اصالتی است که در شیراز ظهور پیدا کرده است و ویژگی منحصر به فردی است که از جهت کیفیت فقط در شیراز می‌توان یافت، شهر موجودی کاملاً کیفی است، این ویژگی‌های ارزش‌های جوهری است که در شهر وجود دارد، که حاصل یک یا دو نسل نیست، حاصل تمام سرگذشتی است که شهر پشت سر گذاشته است. حاصل تباری است که از پس خود دارد و اگر این تبار و سرگذشت را نداشته باشد نمی‌تواند از این ویژگی‌های منحصر به فرد برخوردار گردد. این، جا افتاده است. جا افتادن موکول به این است که ما صنوبر و شکینا باشیم و فرصت دهیم به چیز که در مرور زمان جا بیافتد. شیراز جایی شده است در مقابل ناکجا، که واجد ارزش کیفی نیست، ناکجا یعنی از یک منزلت مکانی برخوردار شده است. ما خیلی وقت‌ها تفاوت جا و ناکجا را نمی‌دانیم. کیفیت همیشه موجود است و کهنه نمی‌شود. مثالی که برای تقرب بیشتر به این قضیه می‌توان در نظر داشت، مثال یک درخت است.



یک درخت بنا به برگ و بارش، هر لحظه در حال تغییر و تحول است. این یک جنبه از حیات شهر است، اما جنبه‌های دیگر از حیات شهر، تنه و ریشه درخت است، که آن هم نیز در حال تکوین و تغییر و تحول می‌شود. ما وقتی درخت را در تصور خود می‌آوریم، معمولاً برگ و بار آن بیشتر در نظرمان می‌آید چون بیشتر ظهور دارد و غنی است. اما تنه و ریشه به خصوص ریشه آن پنهان است. یعنی ما اگر اهل بصیرت باشیم، توجه ما معطوف به تنه و ریشه درخت می‌شود. موجودیت درخت به چیست؟ یک درخت می‌تواند آفت بزند و یک سال محصول بریاری نداشته باشد، اما اگر ریشه و تنه سالمی داشته باشد، این فرصت را در سال بعد خواهد داشت که بتواند محصول بهتری را تولید کند. در شهرها هم، جنبه تنه و ریشه درخت وجود دارد. تنه و ریشه درختی که موجودیت شهر را تشکیل می‌دهد، وگرنه شهر به یک سکونتگاه تبدیل خواهد شد، مکانی که هویت و اصالت ندارد. ما چه نسبتی با شهر برقرار می‌کنیم؟ بنا به نوع نسبتی که با شهر برقرار می‌کنیم، نیازمندی‌های ما را، جنبه‌های کارکردی شهر بر طرف می‌کند و صرفاً جنبه کیفی ندارد. همه این‌ها دلالت بر کیفیت و ارزش‌های جوهری دارند. آن وجهی از شهر که دل شهر است و با دل ما ارتباط برقرار می‌کند، وجه جوهری شهر است. این وجه شهر در کجای شهر ظهور دارد؟ در بافت تاریخی اما ما به چه چیزی بافت تاریخی می‌گوییم؟ بافت تاریخی در تلفی شهرسازانه امروزی ما لکه‌ای از شهر است که آن را بافت تاریخی تلفی می‌کنیم. در صورتی که وقتی ما می‌گوییم بافت تاریخی یعنی همه آن چیزی که در طول تاریخ به هم بافته شده و شهر پدید آمده است، وجه ملموس آن خانه‌ها، راه‌ها، میدان‌ها، بازارها و... است و وجه غیر ملموس آن شامل همه باورها، نام‌ها، آیین‌ها و سنت‌هایی است که جزء ویژگی‌های منحصر به فرد آن شهر می‌باشد. زمانی که از بافت تاریخی نام می‌بریم منظور وجه غیر ملموس آن است نه بخش‌هایی که در طرح جامع و تفصیلی به آنها اشاره می‌کنیم. لایه‌ای از شهر که در واقع بافت تاریخی شهر است، لایه‌ای که سری در زمین دارد و سری در آسمان. آسمان آن، وجه غیر ملموس و جنبه‌های فرهنگی شهر است. بخش‌های زمینی هم آن بخش‌های کالبدی است. باید شهر در اثر برنامه‌ریزی و طراحی، توسعه پیدا کند. نه این که ما کنار این شهر کالبدهایی بسازیم که شهر را در حیثیت اصلی و تاریخی خود حبس کند.

در طول تاریخ ۱۰۰ ساله اخیر نه تنها در ایران بلکه در جاهای دیگر همواره، نسبت تاریخی شهرها با امر توسعه، نسبت رو در رویی بوده است. زمانی ارزش‌های تاریخی می‌توانسته است از خود دفاع کند، ولی این دو در جبهه‌های مقابل همدیگر قرار دارند. تمامی منشورها و کنوانسیون‌ها مناسبات حسن همجواری بین توسعه و حفاظت از ارزش‌های تاریخی شهرها را تنظیم می‌کردند، نه مناسبات مسالمت‌آمیز. حسن همجواری بدین معناست که به حقوق یکدیگر تعدی نکنیم، نه اینکه با هم کاری مشترک داشته باشیم. وقتی صحبت از توسعه به میان می‌آید، به خصوص با اصطلاحات رایج فعلی صحبت از توسعه پایدار می‌شود، پایدار بودن توسعه موکول به این است که بر تنه و ریشه کهن، جوانه جدید داشته باشیم، نه این که ما خودمان را در جوار و همسایگی این درخت ببینیم. همسایگی به این مفهوم که سایه مشترک داشته باشیم بدین ترتیب توسعه‌ای اتفاق نخواهد افتاد. شهر وسعت پیدا می‌کند و حتی می‌تواند در جهت کارکردی بسیار توانمند شود. ولی شهریت ممکن است در آن بمرود و از آن مهمتر ممکن است آن اصالت منحصر به فرد صدمه ببیند و در چنین شرایطی باید گفت: خوشا شیراز و وضع بی مثالش / خداوندا نگاهدار از زوالش. زیرا که فقط در جهت زوال شیراز در حرکتیم. توسعه شهری یعنی به شیراز بودن شیراز افزودن نه حتی مراعات کردن آن. اگر صحبت از توسعه می‌کنیم یعنی باید شیراز ما شیرازتر گردد. این‌ها موکول به چیست؟ موکول به این است که ما بر این تنه و ریشه کهن پیوند تازه زنیم. زمینه‌هایی را فراهم کنیم که این درخت خرم‌تر گردد. توسعه یک موضوع جدید نیست، بسیاری از شهرهای ایران در دوره قاجار به جزء اصفهان شاهد توسعه بسیار وسیعی بودند. بعضی از شهرهای ما ۵ برابر دوره صفوی خود توسعه پیدا کرده‌اند. تهران دوره صفوی نسبت به تهران دوره ناصری، تهران‌تر و بر تهران بودن آن افزوده شده است. اصفهان دوره صفوی یک اصفهان ۵۰ یا ۶۰ هزار نفری بوده است، برای یک اصفهان ۵۰۰ یا ۶۰۰ هزار نفری تجهیز شده است. ۱۰ برابر شدن جمعیت آن یعنی توسعه‌ای انفجاری که عملاً با آن مواجه هستیم. پس چه طور اصفهان، اصفهان‌تر شده است، وقتی که جمعیت آن ۱۰ برابر شده است؟ چرا تهران را نتوانستیم تهران‌تر کنیم وقتی جمعیت آن ۱۰ برابر شد؟ بهانه ما این است که تکنولوژی باعث این خرابکاری‌ها شده است. تکنولوژی قرار بوده است چه کار





کند؟ تکنولوژی قرار بوده است نیازمندی‌های ما را به شکل آسان‌تر، مطمئن‌تر و ارزان‌تری تأمین کند. اگر تکنولوژی اثر معکوس داشته است، پس در نوع بهره‌برداری از آن اشکالی وجود داشته است. تفاوت ماهوی بین تکنولوژی و آن چیزی که ما در طول تاریخ به عنوان فناوری از آن یاد می‌کنیم وجود دارد. تا قبل از دوره اشکانیان فقط در جاهایی که رود، چشمه و نهر وجود داشته است سکنی می‌گزیدند و فناوری این‌که بتوانیم آب را از دل زمین به سطح زمین جاری سازیم وجود نداشت، در دوره اشکانی زمانی که این فناوری شناخته شد، تعداد نقاط قابل زیست به شکل چشم‌گیری افزایش یافت. فناوری این‌گونه راه‌گشای بوده است، نه اینکه برای ما بهانه‌ای باشد تا ارزش‌های شهر را از بین ببریم. ما برای ارزش‌های جوهری بها قائل نشده‌ایم، تأمل نکرده‌ایم و آن را نشناخته‌ایم. اگر از ما تفاوت شیراز و اصفهان را بپرسند، فقط کمیات آن‌ها را (جمعیت، وسعت و ...) در نظر داریم. هیچ معیاری برای سنجش کیفیت وجود ندارد، به عبارتی برنامه‌ریزانِ تقلیل یافته شهرها هستیم. شهر موجودیتی دارد که بسیار عالی‌تر از کمیات تقلیل یافته است و ساختن آن موقوف به فرهنگ، تدبیر و شناختی است که ما آن را در هیچ جایی فرا نمی‌گیریم. و این‌ها ما را از توسعه شهری ناتوان ساخته است. ما فقط طول و عرض شهرها را افزایش می‌دهیم و گرنه شهریت شهر را توسعه نمی‌دهیم. خوشا شیراز و وضع بی‌مثالش / خداوندا نگاه‌دار از زوالش.

دکتر حبیبی

بحث‌هایی که مطرح شد، نگاهی کیفی به شهر است. نگاهی که سر در دانش فنی و زیستی دارد.

پرسش و پاسخ

مهندس محرمی

ما معمولاً همیشه از کیفیت صحبت می‌کنیم، ولی در اجرا به این مسائل توجهی نداریم. نکات مطرح شده را در چند مثال ملموس (عوامل یا اجزایی که باید بدان‌ها بیشتر توجه شود)، بیان کنید.

مهندس بهشتی

در شیراز مجموعه باغاتی وجود داشت با نام باغات قصرالدشت و در روی نقشه‌ها به عنوان یک لکه سبز مشخص بود. جریان بادی در شیراز وجود دارد که در مسیر عبوری خود از رودخانه‌های فصلی و از این باغات می‌گذشت. بدین ترتیب جریان هوایی که به شهر شیراز می‌رسید، غنی از اکسیژن و عطر بهار نارنج بوده است. مردم شیراز در آن زمان این هنر را داشتند که حتی هوای شهر خود را مدیریت کنند. ما باید در زمینه کیفیت تمرین داشته باشیم.

پرسش‌گر

خلل و زوال به انسان معطوف می‌گردد. یعنی انسان در جامعه خود نسبت به دهه‌ها و سده‌های گذشته، ارزش‌های اثبات شده و تاریخی را فراموش کرده یا بدان‌ها توجهی نداشته است و یا این‌که دچار روزمرگی شده است و با الزامات جدید شهر آمیزش پیدا کرده است (انقلاب صنعتی). الزامات و معیشت روزمره در کلان شهرها چگونه می‌تواند با کیفیت مطلوب هم‌زیستی داشته باشد؟

مهندس بهشتی

مشکل اصلی ما در بحث بحران مدنیت است که اتفاق افتاده است. بحران مدنیت رفته رفته رو به افول است، و رفتار و تمنای مدنیت ظهور پیدا می‌کند، ما باید درک کنیم و تحولات درونی در خود ایجاد کنیم.



شهرپری

مردم هنوز به این نیاز و تفکر نرسیده‌اند که باری پیدا کردن کیفیت به متخصصین تکیه کنند و هنوز تفکر سنتی حکیم‌وار بودن دارند و می‌خواهند به خودشان تکیه کنند این خود باعث از بین رفتن کیفیت می‌شود.

مهندس بهشتی

اگر جامعه تخصصی با بدنه جامعه توافق در معنا و مفهوم خوب بودن داشته باشند، مشکلات حل خواهند شد. جامعه ما در حال حاضر متوجه خانه خوب شده است اما هنوز جامعه تخصصی ما متوجه نیست. باید برای به وجود آمدن این توافق، تمرین کرد.

پرسش‌گر

چه سنگ محکی وجود دارد که کیفیت سنجیده شود؟ آیا یک چارچوب از پیش اندیشیده شده برای این موضوع ارائه شده است؟

مهندس بهشتی

با معیارهای ریاضی نمی‌توان کیفیت را بررسی کرد. معنی خوب بودن، متریک بودن نیست. ما باید متوجه شویم چیزی به اسم کیفیت وجود دارد. برای بهتر شدن کیفیت باید به سراغ بافت تاریخی، معماری و شهرسازی گذشته خود برویم تا بتوانیم دوباره کیفیت را دریافت کنیم.

دکتر کشاورز

چگونه می‌توان در کنار رویکرد توسعه پایدار و حفاظت، توازن و تعادل برقرار کنیم، در حالی که تجاری شدن فضا در قرن ۲۱ مطرح شده است؟ آیا تجاری شدن فضا، تقابل میان ملاحظات اقتصادی و ملاحظات زیست‌محیطی را افزون نخواهد کرد؟ دیدگاه تجاری شدن فضا، به شهریت بودن شهر صدمه نخواهد زد؟ برای ایجاد تعادل در میان این رویکردها چه کنیم؟

دکتر حبیبی

این بحث در مقیاس جهانی بسیار جدی است. به عنوان مثال، برای این که زندگی شهری را در ترکیه برگردانند و درعین حال حفاظت صورت گیرد، سرتاسر خیابان‌های ترکیه را تجاری می‌کنند و سپس برندهای معروف در آنجا حضور پیدا می‌کند. این امر باعث می‌گردد که ما به فاسادیسیم روی آوریم، مدنی است که به یکباره ظهور می‌کند. ولی تجاری شدن فضا بحثی است که می‌تواند در مقابل حفاظت و توسعه پایدار قرار بگیرد.



دکتر شفقانی

جامعه متقاضی کیفیت است و آن کیفیت را به مفهوم ابتدال شناخته است. کیفیت چیز دیگری است ولی آن را نمی‌شناسند. در واقع در جامعه امروزی ما هم شهر و هم کیفیت، کالا شده است. بنابراین چه چیز را باید کیفیت دانست و اصل کیفیت چیست؟



مهندس بهشتی

برای جامعه‌ای که کیفیت برای آن موضوعیت نداشته است، وقتی به دنبال کیفیت می‌رود خود یک اتفاق بزرگ است. اما این کیفیت در حالت‌های مختلف اتفاق می‌افتد. در این میان نیز راه حل‌های میان‌بری نیز وجود دارد، طبیعی است که اگر به این سمت پیش روند. ما باید در حوزه معماری و شهرسازی نیز به سوی کیفیت پیش رویم. اگر که می‌خواهیم ابتدال شامل حال آن نشود، باید نوع خوب آن را نیز عرضه کنیم. اما این نوع خوب از کجا می‌تواند عرضه شود؟ از خلاقیت معماران و شهرسازان ما می‌تواند ناشی شود.



دکتر اطهاری

ما برای تبدیل کجا به ناکجا آباد به سرعت عمل می‌کنیم، و نمونه عینی آن شهرهای شمال است و این نقطه‌ای است که باید بدان بیشتر توجه و پرداخته شود. ناکجا آباد به چند دلیل بستگی دارد:

- فقدان مرکزیت ناهنجاری‌های گونه‌های معماری؛
- فرسودگی بافت‌های قدیمی؛





■ عدم تناسب گونه‌های مختلف مسکن؛

■ عدم رعایت هنجارهای محیط‌زیستی؛

■ ناسازگاری بین تنه درخت و شاخه‌های آن.

تنه‌ای وجود دارد (ساختارهای فرهنگی و...) ولی شاخه‌ها کاملاً ناهنجار شدند. ما کمتر به دنبال بازیگران این ناهنجاری‌ها و ناکجاآبادی‌ها گشته‌ایم. مفهوم بازیگر در واقع مفهومی است که بیشتر در رابطه با قضایای جامعه‌شناسی به کار گرفته شده است.

مهندسی بهشتی

جامعه ما به سمت متقاضی بودن کیفیت پیش می‌رود اما آیا جامعه تخصصی ما آمادگی پاسخ دادن به این تقاضا را دارد؟ خیر! ندارد. زیرا که خود پرورش یافته دورانیست که کیفیت مقفول بوده است و آمادگی این پاسخگویی را ندارد. برای به دست آوردن این آمادگی، اولین قدم شناخت است. ما باید بر تنه درخت کهن خود جوانب جدید را ببینیم و از جای دیگری تقلید نکنیم. ما چاره‌ای جز این نداریم که شبیه خودمان باشیم. هر جای از جهان که توسعه پیدا کرده است، خودش شده است. اگر قرار است توسعه پیدا کنیم، باید مبتنی بر ارزش‌های ظاهری خودمان توسعه پیدا کنیم و همه این جوانب موکول به شناخت است.

دکتر ایزدی

باید به مقوله کیفیت به نحوی دیگر بیان‌دیشیم. و خواهش من به عنوان عضوی از حوزه دولت از متخصصین این است و کیفیت را بصورت یک درخواست مطرح کنید. از مسئولین بخواهید، تا زمانی که درخواستی وجود نداشته باشد کسی، هم پاسخگو نیست، این بدان معناست که ما کار خودمان را پیش می‌بریم. شاید بهترین فرصت برای رسیدن به کیفیتی مقفول این است که متقاضی آن باشید، چرا که زمانی ما می‌توانیم پاسخگو باشیم که سوآلی مطرح باشد.

دکتر حبیبی

ما باید متوجه این امر باشیم که به مقوله کیفیت هم بیاندیشیم.

هیچ کوزه گر کند کوزه شتاب بهر عین کوزه نه بر بوی آب
هیچ کاسه گر کند کاسه تمام بهر عین کاسه نه بهر طعام
هیچ خطاطی نویسد خط به فن بهر عین خط نه بهر خواندن

برای ساختن کوزه به دانش فنی و هنر نیازمندیم، ولی کوزه در عین کوزه نیست و برای نوشیدن آب به کار می‌رود. کیفیت به شکلی که ما از آن تصور داریم نیست، بلکه به شکلی است که لیاقت زمانه را بر تن دارد و شاکله آن پنهان است، شاکله‌ای که با کمیات قابل اندازه‌گیری نیست و باید آن را درک کنیم و بشناسیم. ما هیچ‌گاه شهری را بر مبنای نگاه کیفی طراحی نکرده‌ایم. ما باید دانش جهانی را فرا بگیریم ولی این دانش همواره پاسخگو نمی‌باشد و در واقع این دانش بومی و ارزش‌های نهفته است که باید بدان‌ها توجه داشته باشیم. چگونه می‌توان بین کلام و عمل آشتی به وجود آورد؟ چگونه می‌توانیم زمانی که با کمیات خوبی گرفته‌ایم، به کیفیات بیاندیشیم؟ با استفاده از کدامین بازیگران (معلمین، متخصصین، مدیران، جامعه و ...) که نقش دارند و نیرو هستند؟ این مقولات چگونه کیفیت شهر را مطرح می‌کنند؟ در حالی که کیفیت در کشورهای صنعتی به کالا تبدیل شده است، چگونه می‌توانیم از آن‌ها برحذر باشیم؟

